

## دکتر رابرت چیشولم، ساموئل او، ۲۸، جلسه ۲۴ دوم سموئیل ۲۴

© ۲۰۲۴ رابرت چیشولم و تد هیلدبرانت

این دکتر باب چیشولم در حال تدریس در مورد اول و دوم سموئیل است. این جلسه آخر، جلسه ۲۸، داوود بلا را بر اسرائیل می‌آورد. دوم سموئیل فصل ۲۴ است.

به پایان مطالعه‌ی کتاب‌های سموئیل رسیده‌ایم و قصد داریم به فصل پایانی کتاب، یعنی دوم سموئیل، فصل ۲۴، نگاهی بیندازیم که من آن را «داوود بلا را بر اسرائیل نازل می‌کند» نامگذاری کرده‌ام.

و این فصل هم فصل خوشی نیست. بسیاری از روایت‌های کتاب‌های سموئیل از جهات مختلف نگران‌کننده هستند و این یکی هم همینطور. داوود طاعونی بر اسرائیل نازل می‌کند.

در داستان اول در بخش پایانی، گناه شائول بود که مشکلاتی ایجاد کرده بود و داوود مجبور بود به عنوان نوعی قاضی سلطنتی عمل کند. در این متن، گناه اسرائیل قرار است داوری را تسریع کند و خود داوود مرتکب گناه می‌شود و داوود در نهایت به نوعی کاهن یا میانجی سلطنتی تبدیل می‌شود. و بنابراین، در این فصل خواهیم دید که وقتی خداوند از گناه خشمگین می‌شود، ممکن است گناهکاران را به شدت مجازات کند، اما وقتی گناهکاران توبه کنند، حاضر است داوری خود را پس بگیرد.

در دوم سموئیل، فصل ۲۴، دوباره می‌خوانیم که خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شد و او داوود را علیه آنها برانگیخت و گفت: بروید و اسرائیل و یهودا را سرشماری کنید. خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شد. دلیلی برای این کار به ما داده نشده است.

آیا خداوند صرفاً خودسرانه از دست اسرائیل عصبانی شد؟ من اینطور فکر نمی‌کنم. وقتی چنین زبانی را می‌خوانیم، معمولاً، همیشه واقعاً، در جاهای دیگر وقتی از آن استفاده می‌شود، دلیل خوبی برای عصبانیت خداوند وجود دارد و آن گناه انسان است. فقط یک جای دیگر در کتاب‌های سموئیل وجود دارد که خشم خداوند علیه کسی شعله‌ور می‌شود.

در دوم سموئیل فصل ۶، آمده است که عُرّه دستش را دراز کرد تا صندوق عهد را لمس کند و تقدس خدا را زیر پا گذاشت، خشم خداوند بر او شعله‌ور شد و خداوند او را به قتل رساند. اما در آن موقعیت، ما درک می‌کنیم که از دیدگاه خداوند، دلیل خوبی برای شعله‌ور شدن خشم او وجود داشته است. در جای دیگر عهد عتیق، وقتی خشم خداوند بر قومش شعله‌ور می‌شود، همواره به دلیل گناه است.

و اگر این عبارت را در عهد عتیق دنبال کنید، خواهید دید که در خروج و اعداد و تثنیه و یوشع و داوران، دوم پادشاهان و اشعیا آمده است. در تمام این موارد که خشم خداوند علیه کسی شعله‌ور می‌شود، شورش آشکار، که اغلب به شکل بت‌پرستی است، گناهی است که این خشم الهی را برمی‌انگیزد. بنابراین، می‌توانیم فرض کنیم که وقتی نیمه اول آیه ارا می‌خوانیم، خشم خداوند علیه اسرائیل شعله‌ور شده است زیرا اسرائیل به نوعی گناه کرده بود.

به ما گفته نشده است که چگونه. و سپس خداوند کاری انجام می‌دهد که بسیار عجیب به نظر می‌رسد. او داوود را علیه آنها تحریک کرد.

بنابراین، او داوود را تحریک می‌کند تا کاری انجام دهد که به نوبه خود باعث داوری بر ملت خواهد شد. و او داوود را تحریک می‌کند که برود و سرشماری کند، بگردد و تعداد جنگجویان خود را بشمارد. طبق اعتراف خود داوود در ادامه فصل، داوود متوجه خواهد شد که این کار گناه بوده است.

انجام این کار اشتباه بود. و بنابراین، شما نمی‌توانید از این واقعیت که خداوند، در داوری خود بر اسرائیل، داوود را به انجام کاری اشتباه ترغیب می‌کند، چشم‌پوشی کنید. من در مورد شما نمی‌دانم، اما این موضوع من را آزار می‌دهد زیرا به نظر می‌رسد با این ایده که خدا مردم را به گناه وسوسه نمی‌کند، در تضاد است.

یعقوب این را به ما می‌گوید. اما گاهی اوقات وقتی او در حال اجرای داوری علیه مردم است، به این نوع کارها متوسل می‌شود. این کلمه که به incited ترجمه شده است، در جاهای دیگر عهد عتیق به روش‌های جالبی استفاده شده است، گاهی مثبت، گاهی منفی.

این عبارت توسط دختری به نام عکشه استفاده می‌شود که پدرش، کالب، را افسون می‌کند تا به او هدیه‌ای بدهد (در فصل اکتاب داوران). همانطور که دختران گاهی اوقات می‌خواهند این کار را انجام دهند. آنها این توانایی را دارند که پدران خود را افسون کنند تا چیزی به آنها بدهند. این عبارت در ایوب ۳۶ برای اغوای یک شخص به خاطر ثروت استفاده می‌شود.

همچنین در بسیاری از متون، این کلمه توسط شخصی که شخص دیگری را ترغیب یا تحریک می‌کند تا از یک مسیر خاص پیروی کند، استفاده می‌شود. این کلمه توسط پیامبری که مردم را به پرستش بت‌ها در تنیه ۳ ترغیب می‌کند، به صورت منفی استفاده می‌شود. به طرز عجیبی، توسط شیطان نیز استفاده می‌شود و در ایوب ۲:۳۰ خدا را تحریک می‌کند تا ایوب را آزمایش کند. خداوند در واقع با سرزنش شیطان می‌گوید: تو مرا تحریک کردی، تو مرا علیه بندهام ایوب برانگیخته‌ای.

و این تقریباً اتهامی از جانب خداست. وقتی در جای دیگری خدا فاعل کلمه است، به طور مثبت در مورد دور کردن دشمن از یهوشافاط، پادشاه یهودا، به کار می‌آورد. خداوند دشمن را تحریک کرد، دشمن را به خود جذب کرد و دشمن را متقاعد کرد که به جهت دیگری برود.

همچنین در ایوب ۳۶ از این اصطلاح برای جلب توجه یا تلاش خدا برای فریب مردم از نابودی به سوی برکت استفاده شده است. الیهو از آن به همین شکل استفاده می‌کند. بنابراین، در واقع ایده ترغیب کسی را دارد و در اینجا به صورت تحریک ترجمه شده است.

بنابراین، خداوند، به عنوان بخشی از داوری خود علیه اسرائیل، در حالی که خشمگین است، داوود را متقاعد می‌کند که سرشماری کند. و صحبت در مورد اینکه چگونه این می‌تواند عادلانه باشد، فراتر از بحث امروز ماست. اما خداوند، گاهی اوقات در قضاوت گناهکاران، تصمیم می‌گیرد که شاید چندان منصف نباشد.

همه اینها بخشی از عدالت اوست. حالا بعضی‌ها این مشکل را با مراجعه به متن موازی در اول تواریخ حل می‌کنند. در اول تواریخ ۲۱ قسمتی وجود دارد که همین موضوع را پوشش می‌دهد، اما کمی متفاوت است.

و در اول تواریخ ۲۱:۱ ترجمه NIV آمده است که شیطان علیه اسرائیل قیام کرد و داوود را تحریک کرد تا اسرائیل را سرشماری کند. هیچ اشاره‌ای به خشم خداوند یا چیزی شبیه به آن نشده است. و بنابراین، برخی خواهند گفت، ببینید، واقعاً این شیطان بود که این کار را کرد.

اما من این را مشکل‌ساز می‌دانم و دلیلش را هم می‌گویم. چون در متن عبری این متن، کلمه شیطان به کار رفته که در نهایت به اسم خاص شیطان تبدیل می‌شود. اما در عهد عتیق، وقتی شیطان به کار می‌رود، منظور فقط یک دشمن یا رقیب است.

و به عبارت دیگر، وقتی در عهد عتیق بدون حرف تعریف مشخص استفاده می‌شود، ha نیست. Ha حرف تعریف مشخص در زبان عبری است. ha نیست - شیطان، دشمن.

این فقط شیطان است، یک دشمن. و وقتی بدون حرف تعریف در جای دیگری از عهد عتیق استفاده می‌شود، به شیطان اشاره ندارد. معمولاً به یک دشمن انسانی اشاره دارد.

در یک جا هست که فرشته خداوند در موقعیت بلعام، دشمن او محسوب می‌شود، وقتی که ظاهر می‌شود. در آن متن، او دشمن نامیده شده است. وقتی در عهد عتیق به شیطان اشاره می‌شود، و در عهد عتیق زیاد به او اشاره نمی‌شود، از حرف تعریف استفاده می‌شود.

در ایوب او ۲، او ها-شیطان است. او دشمن است. این یک عنوان است.

این مورد در متن زکریا که به شیطان اشاره شده نیز صادق است. بنابراین بر اساس کاربرد آن در عهد عتیق، فکر می‌کنم که تواریخ صرفاً در مورد یک دشمن صحبت می‌کند. شاید موآبیان، ادومیان یا نوعی از مردم نزدیک، یک دشمن، داوود را تحریک کرد تا قوم را سرشماری کند.

و من هنوز باید آن را با دوم سموئیل ۲۴ کنار هم بگذارم. نمی‌توانم فقط دوم سموئیل ۲۴ را نادیده بگیرم و وانمود کنم که وجود ندارد. باید متن تواریخ را با متن سموئیل کنار هم بگذارم.

بسیار خوب، خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شد و او داوود را علیه آنها برانگیخت. با توجه به متن تواریخ، به نظر من او از آن به عنوان ابزاری برای تحریک داوود، دشمن نزدیکش، استفاده کرد. حتی اگر اصرار بر تواریخ داشته باشید، در حالی که تواریخ نسبتاً متاخر است، شاید تا آن زمان شیطان به عنوان یک نام خاص مورد استفاده قرار گرفته باشد.

و بنابراین، می‌توانیم کلمه شیطان را ترجمه کنیم. این تنها جایی در عهد عتیق خواهد بود که چنین چیزی در آن آمده است. حتی در آن صورت، فکر نمی‌کنم خدا از این موضوع مبرا باشد، زیرا شیطان صرفاً ابزار او برای تحریک داوود خواهد بود.

مهم نیست با بخش اول تواریخ چه کار می‌کنید، فکر نمی‌کنم مشکل شما را با دوم سموئیل ۲۴ حل کند. خشم خداوند بر اسرائیل شعله‌ور شد و او داوود را علیه آنها برانگیخت. سموئیل هیچ اشاره‌ای به شیطان نمی‌کند.

و بنابراین، چه شیطان باشد، که فکر نمی‌کنم باشد، و چه یک دشمن انسانی، ترجیح من در تواریخ این است، این صرفاً وسیله است. خداوند کسی است که همه اینها را هماهنگ می‌کند. بنابراین، داوود می‌رود و سرشماری می‌کند.

و پادشاه به یوآب و ارتش می‌گوید: «می‌خواهم از تمام قبایل، از دان تا بئرشیع، عبور کنید و مردان جنگی را ثبت نام کنید، زیرا می‌خواهم بدانم تعداد آنها چقدر است.» یوآب فوراً از این موضوع ناراحت می‌شود. و به داوود می‌گوید: «باشد که خداوند، خدای تو، تعداد سربازان را صد برابر کند.»

باشد که ما ارتشی بزرگ داشته باشیم. باشد که جوانان اسرائیلی زیادی متولد شوند و بخشی از ارتش شوند. و باشد که چشمان سرورم پادشاه آن را ببیند.

اما چرا سرورم، پادشاه، می‌خواهد چنین کاری انجام دهد؟ چرا می‌خواهید این کار را انجام دهید؟ و من فکر می‌کنم که این بوی بی‌اعتمادی می‌دهد. به عبارت دیگر، من برای امنیت به خداوند اعتماد دارم، اما خدای من، می‌خواهم ببینم چقدر پول در آن حساب هست. می‌خواهم ببینم چند سرباز دارم.

به نظر می‌رسد که او با نگاهش رفتار می‌کند، نه با ایمان. راستش را بخواهید، این خیلی شبیه شائلول است. با این حال، فرمان پادشاه، یوآب و فرماندهان ارتش را بی‌اعتبار کرد.

و آنها از حضور پادشاه خارج شدند تا مردان جنگجوی اسرائیل را ثبت نام کنند. سپس می‌خوانیم که چگونه آنها در سراسر سرزمین، تمام راه را به سمت شمال و سپس به عقب رفتند. و پس از اینکه در تمام سرزمین گشتند، آمدند

به اورشلیم بازگشتند، و نه ماه و بیست روز طول کشید تا همه این اتفاقات رخ دهد.

و یوآب تعداد مردان جنگی را به پادشاه گزارش داد. و این تعداد بسیار زیادی از اسرائیل و یهودا بود. و سپس در آیه 10 می‌خوانیم که داوود پس از شمارش مردان جنگی، دچار عذاب وجدان شد.

و او به خداوند می‌گوید: «من در آنچه انجام داده‌ام، گناه بزرگی مرتکب شده‌ام.» داوود متوجه می‌شود که اشتباه کرده است. اکنون، این خداوند بود که او را به انجام این کار به عنوان بخشی از داوری خود بر اسرائیل برانگیخت.

اما او می‌گوید، اکنون، ای خداوند، از تو التماس می‌کنم که گناه بندهات را ببخشی. من کار بسیار احمقانه‌ای انجام داده‌ام. همان زبانی که قبلاً برای شائلول استفاده شده بود.

و بنابراین، همانطور که گفتیم، داوود در اینجا کمی شبیه شائلول به نظر می‌رسد. قبل از اینکه داوود صبح روز بعد از خواب بیدار شود، کلام خداوند به جاد نبی رسیده بود. جاد نبی قرار است وارد صحنه شود و به او گفته می‌شود، برو و به داوود بگو که این همان چیزی است که خداوند می‌گوید.

من به تو سه گزینه می‌دهم. یکی از آنها را انتخاب کن تا علیه تو اجرا کنم. به نظر من اینجا خداوند دعای داوود برای بخشش را مستجاب نمی‌کند.

او با یک پیام می‌آید، خوب، داوری در راه است. تو می‌توانی زهر خودت را انتخاب کنی. بنابراین، گاد پیش دیوید می‌رود و سه گزینه‌ای را که دیوید می‌تواند انتخاب کند، مطرح می‌کند.

آیا سه سال قحطی بر شما خواهد آمد؟ این ترجمه‌ی NIV است. در واقع، متن عبری هفت سال قحطی دارد. نسخه سپتواجینت به جای آن سه سال را در نظر می‌گیرد، اما من فکر می‌کنم که نسخه سپتواجینت ممکن است این عدد را با عددی که در دو گزینه بعدی استفاده شده است، تطبیق دهد.

بنابراین، من معمولاً فکر می‌کنم عدد هفت احتمالاً همان تعبیر اصلی اینجا باشد. هفت سال قحطی در سرزمین شما، یا می‌توانید سه ماه از دست دشمنان فرار کنید در حالی که آنها شما را تعقیب می‌کنند. بنابراین، شما، داوود، می‌توانید همانطور که شائول سه ماه توسط دشمنان تعقیبتان کرد، تحت تعقیب باشید.

البته، این برای ملت پیامدهایی خواهد داشت، زیرا اگر پادشاه در مکانی چنان آسیب‌پذیر باشد که فرار باشد مورد تعقیب قرار گیرد، این بدان معناست که ملت مورد تهاجم قرار گرفته است و این پیامدهای منفی برای اسرائیل خواهد داشت. یا سه روز طاعون در سرزمین شما. ما می‌توانیم این را به سرعت تمام کنیم.

ممکن است یک طاعون بسیار شدید، یک طاعون ویرانگر، داشته باشیم. فقط سه روز طول می‌کشد و می‌توانیم با آن کنار بیاییم. حالا، خوب فکر کنید.

تصمیم بگیر که چگونه به کسی که مرا فرستاده پاسخ دهم. بنابراین، به نظر می‌رسد که خداوند قرار نیست داوود را ببخشد و همه چیز را پاک کند، زیرا به یاد داشته باشید، گناهی که داوود مرتکب شد، چندان مهم نبود، بلکه گناهی بود که اسرائیل مرتکب شد که در وهله اول خشم خداوند را برانگیخت. در اینجا فقط مسئله مجازات داوود توسط خداوند مطرح نیست.

این خداوند است که قصد دارد اسرائیل را مجازات کند. بنابراین، داوود در آیه ۱۴ جاد می‌گوید: «من در پریشانی عمیقی هستم. بگذار به دست خداوند بیفتیم، زیرا رحمت او عظیم است.»

اما نگذارید به دست انسان‌ها بیفتیم. بنابراین، فکر می‌کنم دیوید اینجا گزینه دوم را رد می‌کند. نمی‌خواهم دشمنان، دشمنان انسانی، مرا تعقیب کنند.

من ترجیح می‌دهم مستقیماً با خداوند صحبت کنم، زیرا خداوند رحمت عظیمی دارد. و داوود در اینجا از کلمه‌ای استفاده می‌کند که به احساس الهی اشاره دارد. این کلمه، احساس رحمت است.

این احساسی است که یک برادر به برادر دیگر دارد. یوسف وقتی بنیامین را دید این احساس را داشت. این احساسی است که یک مادر به فرزندش دارد.

و بنابراین، داوود می‌گوید، اگرچه به نظر می‌رسد خداوند درخواست بخشش او را اجابت نکرده است، اما می‌گوید رحمت خداوند عظیم است. من ترجیح می‌دهم مستقیماً با او برخورد کنم. شاید او رحم کند و چه کسی می‌داند، شاید به ما تخفیف مجازات بدهد.

فکر می‌کنم این همان چیزی است که دیوید ممکن است به آن امیدوار باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که دیوید می‌گوید، من آن گزینه دوم را نمی‌خواهم. نمی‌خواهم مجبور باشم با ابزارهای انسانی سر و کار داشته باشم.

بیاید با قحطی یا طاعون پیش برویم. و خداوند طاعون را انتخاب می‌کند، آیه ۱۵. بنابراین، خداوند از آن صبح تا پایان زمان تعیین شده، طاعونی را بر اسرائیل فرستاد، همانطور که متن سنتی می‌گوید.

یک خوانش جایگزین وجود دارد که می‌گوید از صبح تا وقت شام. بنابراین، آیا این فقط یک روز از طاعون سه روزه است، یا این خلاصه‌ای از اتفاقاتی است که در طول زمان طاعون رخ داده است؟ مطمئن نیستیم. و ۷۰,۰۰۰ نفر از مردم از دان تا بئر شبع جان باختند، تعداد زیادی از مردم از شمال تا جنوب.

بنابراین، این یک طاعون ویرانگر، نوعی بیماری یا هر چیز دیگری است که تازه شروع به کشتن مردم کرده است. و هنگامی که فرشته دست خود را برای نابودی اورشلیم دراز کرد، خداوند از این فاجعه منصرف شد و به فرشته‌ای که مردم را آزار می‌داد گفت: «کافی است، دستت را عقب بکش.» اگر زمان طاعون به پایان رسیده است، پس به نظر می‌رسد که این [کار] بیش از حد بوده است.

و به همین دلیل است که برخی می‌خواهند از صبح تا شام در آیه ۱۵ بخوانند. اما من فکر می‌کنم اتفاقی که اینجا می‌افتد، از نیمه دوم آیه ۱۶ شروع می‌شود، یک بازگشت به گذشته وجود دارد. و بنابراین، طاعون سه روز است که سرزمین را ویران کرده و اکنون خداوند آماده است تا به اصطلاح کار اورشلیم را تمام کند، و سپس او از این فاجعه پشیمان می‌شود و به فرشته می‌گوید، دستت را عقب بکش.

از آیه ۱۶، یک فلش‌بک به گذشته، جزئیات بیشتری در مورد دلیل پشیمانی خداوند به دست می‌آوریم. و همانطور که انتظار می‌رفت، خداوند در این زمینه مهربان است. حق با داوود بود.

خب، من ترجیح می‌دهم شانسم را با خداوند امتحان کنم چون او خدای مهربانی است. خب، یک فلش بک در آیه ۱۶. فرشته خداوند در خرمنگاه آرونا، یبوسی، بود.

و وقتی داوود فرشته را دید، به داوود این توانایی داده شد که فرشته خداوند را ببیند، کسی که ابزار نابودی خداوند در اینجا است و مردم را نابود می‌کند، او به خداوند گفت: من گناه کرده‌ام. من، چوپان، اشتباه کرده‌ام. اینها فقط گوسفند هستند.

چه کار کرده‌اند؟ دستت به سر من و خانواده‌ام برسد. دیوید واقعاً کاملاً نمی‌فهمد اینجا چه خبر است. او می‌فهمد که گناه کرده و فکر می‌کند ملت دارد تاوان کاری را که او کرده، می‌دهد.

در واقع، اگر به آیه ۱۷، شیهو‌ای که ما آن را می‌خوانیم، برگردیم، می‌بینیم که اینطور نیست. داوری، هدف اصلی داوری خدا، اسرائیل، یعنی ملت است. آنها کسانی بودند که او را به خشم آوردند.

ماجرای داوود بخشی از داوری بر اسرائیل است. بنابراین، دیدگاه داوود در اینجا محدود است. در آن روز، جاد نزد داوود رفت و به او گفت، برو و در خرمنگاه آرونه، بیوسی، برای خداوند قربانگاهی بساز.

بنابراین، پیامبر می‌آید و می‌گوید، تو به گناه خود اعتراف کرده‌ای و باید یک قربانگاه بسازی. بنابراین، داوود همانطور که خداوند به وسیله جاد فرمان داده بود، رفت. و هنگامی که آرونه نگاه کرد و پادشاه و مقاماتش را دید که به سمت او می‌آیند، بیرون رفت و در مقابل پادشاه تعظیم کرد و صورتش را به زمین گذاشت.

و آرونه گفت، چرا پروردگار من پادشاه نزد بنده‌اش آمده است؟ و داوود به او می‌گوید، من می‌خواهم خرمنگاه تو را بخرم تا بتوانم قربانگاهی برای خداوند بسازم تا بلا از سر مردم متوقف شود. بنابراین داوود قرار است به عنوان شفیع برای مردم خدمت کند. و همانطور که جاد دستور داده بود، می‌خواهد این کار را اینجا در خرمنگاه آرونه انجام دهد.

جالب است که در آیه ۲۱، کلمه متفاوتی برای طاعون استفاده شده است. کلمه قبلی بر ماهیت ویرانگر طاعون تمرکز داشت. در اینجا کلمه‌ای متفاوت از آنچه در آن آیات قبلی استفاده شده بود، استفاده شده است.

این دیر است. و این اصطلاح برای طاعونی که فلسطینی‌ها را هنگام بازگرداندن صندوق عهد عذاب داد، در اول سموئیل ۶ استفاده می‌شود. اما در بخش‌های دیگر، بیشتر کشتار جمعی انسان‌ها را توصیف می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد این اصطلاح توجه را به نابودی جمعی زندگی بشر که توسط طاعون به وجود آمده است، جلب می‌کند، در حالی که آن اصطلاح دیگر بیشتر بر ماهیت تنبیهی طاعون به عنوان یک مجازات تمرکز دارد.

طاعون به عنوان مجازات، این یک طاعون کشتار جمعی است. و بنابراین، داوود می‌گوید، من باید یک محراب برای خداوند بسازم تا بتوانم از طرف مردم شفاعت کنم تا این کشتار جمعی متوقف شود.

و آرونه به داوود گفت: «بسیار خوب، سرورم، پادشاه، هر چه می‌خواهد بردارد و تقدیم کند. اینک گاوها برای قربانی سوختنی و اینک سورت‌های خرم‌کوبی و یوغ گاوها برای هیزم جهت روشن کردن آتش. اعلیحضرت، آرونه، همه اینها را به پادشاه می‌دهد.»

و آرونه همچنین به او گفت، باشد که خداوند، خدای تو، تو را بپذیرد. بنابراین آرونه فقط می‌خواهد آنچه را که داوود به عنوان هدیه نیاز دارد به او بدهد. اما داوود احساس می‌کند که نه، این مناسب نیست.

من اصرار دارم که هزینه آن را بپردازم. من برای خداوند، خدای خود، قربانی‌های سوختنی که برایم هیچ هزینه‌ای نداشته باشند، تقدیم نخواهم کرد. برای نشان دادن صداقت من، باید هزینه‌ای در این کار وجود داشته باشد.

من در این مورد صدقه نمی‌گیرم. متشکرم، اما نه، متشکرم. بنابراین، داوود خرمنگاه و گاوها را خرید و 50 شیکل نقره برای آنها پرداخت کرد.

بنابراین، داوود در اینجا بهایی پرداخت. و سپس او قربانگاه را برای خداوند ساخت و قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های رفاقت تقدیم کرد. و سپس خداوند دعای او را برای سرزمین اجابت کرد و بلا از اسرائیل متوقف شد.

بنابراین، من فکر می‌کنم این همان اتفاقی است که در آیه ۱۱۶ افتاد، زمانی که شنیدیم خداوند به فرشته می‌گوید بس کند. و سپس این روایت را داریم که پیشینه آن را به ما می‌دهد و شکافها را پر می‌کند و به ما می‌گوید که این به دلیل کاری بود که داوود به عنوان یک کاهن سلطنتی انجام داد. او از طرف مردم شفاعت کرد و این همان چیزی بود که خداوند را وادار کرد تا از آوردن بلا به اورشلیم با تمام قدرت دست بردارد.

و بنابراین، می‌بینیم که داوود در آن نقش برای مردم عمل می‌کند. بنابراین، همانطور که مطالعه خود را به پایان می‌رسانیم، فکر می‌کنم می‌توانیم چند اصل مهم را که در اینجا پدیدار می‌شوند، ببینیم. مجازات گناه توسط خدا گاهی اوقات بسیار شدید است.

حتی وقتی گناهکاران التماس بخشش می‌کنند، اینجا نمی‌توانید از آن بگذرید. این قسمت تا حدودی یادآور ماجرای بتشیع است. داوود با فروتنی به گناه خود اعتراف کرد، اما همچنان از عواقب دردناک گناه رنج می‌برد.

تصویر یک خدای خشمگین و فریبکار که تنها پس از قتل عام تعداد زیادی از مردم توبه می‌کند، به شدت ترسناک است. این تصویر ما را به عنوان خواننده به سمت خدا جذب نمی‌کند، اما اگر همانطور که باید فرض کنیم که او در وهله اول در پاسخ به گناه اسرائیل محق بوده است، با روشن شدن حقایق خاص، دیدگاه الهی باید جایگزین دیدگاه ما شود. خدا از گناه متنفر است و از گناه متنفر است و آن را تحمل نخواهد کرد.

و ما باید با این موضوع کنار بیاییم. و او کاملاً در مجازات گناهکاران محق است. و این درسی از صبر و رحمت است که ما بیشتر از آنچه در صفحات کتاب مقدس در مورد چنین داوری سختی می‌خوانیم، در مورد آن نمی‌خوانیم.

چون داوود درست وسط داستان گفت، ترجیح می‌دهم با خدا سر و کار داشته باشم، او مهربان است. بنابراین حتی در این بحبوحه، داوود این مضمون رحمت را مطرح می‌کند. و با درک اینکه چگونه گناه خشم و داوری الهی را فعال می‌کند، فکر می‌کنم درک بیشتری از آنچه که طغیان خشم خدا بر پسرش به دنبال داشت، به دست می‌آوریم.

فکر می‌کنم گاهی اوقات مردم به مصلوب شدن نگاه می‌کنند، چرا عیسی باید اینقدر رنج می‌کشید؟ خب، آنچه در رنج فیزیکی می‌بینید فقط نوک کوه یخ است. عیسی گناه ما را بر دوش خود می‌گیرد. و وحشیگری‌ای که در آنجا می‌بینیم فقط یادآوری این است که خدا از گناه متنفر است و داوری خود را بر عیسی نازل می‌کند.

و تا زمانی که واقعاً با این واقعیت کنار نیاییم، فکر نمی‌کنم بتوانیم انجیل را آنطور که باید ارائه دهیم. من هر سال در نمایشگاه ایالتی بشارت می‌دهم. با دهها نفر در مورد انجیل صحبت می‌کنم.

و من سعی می‌کنم آنها را وادار کنم تا وخامت اوضاع خود را ببینند، اینکه از معیارهای خدا تخطی کرده‌اند. آنها از نظر او گناهکارند و سزاوار چیزی جز مجازات الهی نیستند. و تا زمانی که با این موضوع کنار نیایید، تا زمانی که خود را فروتن نکنید و خود را گناهکاری نبینید که لیاقت هیچ چیز را ندارد، قردان کاری که عیسی انجام داد نخواهید بود.

عیسی مجازات گناه را بر خود گرفت تا ما بتوانیم رستگار شویم. بنابراین، چنین متنی ترسناک است، اما یادآوری خوبی است از آنچه که ما از طریق خداوند عیسی مسیح از آن رهایی یافته‌ایم. و اصل بسیار مهم دیگری که در اینجا می‌بینیم این است که خداوند واقعاً دلسوز است و وقتی گناهکاران به درستی به او نزدیک می‌شوند، حاضر است مجازات خود را سبک‌تر کند.

بله، در ابتدا او اعتراف و درخواست بخشش دیوید را نمی‌پذیرد. نه، مجازات باید فرا برسد. او به دیوید فرصت می‌دهد تا کدام گزینه را انتخاب کند و در واقع کمی رحمت در آن وجود دارد.

و سپس وقتی اوضاع شروع به آشکار شدن می‌کند و داوود می‌بیند که داوری به سمت اورشلیم می‌آورد، به حضور خداوند می‌آورد و برای رحمت فریاد می‌زند و خداوند شفقت نشان می‌دهد و از ریختن کامل داوری خود بر شهر خودداری می‌کند. ما این را در جای دیگری از عهد عتیق در مراثی باب ۳ می‌بینیم، که سرود خود را از آن گرفته‌ایم. توماس چیشولم، همنام من، سرودی نوشت: «وفاداری تو عظیم است».

هر صبح رحمت‌های جدیدی می‌بینم. این در واقع ریشه در مراثی باب ۳ دارد و اگر کتاب مراثی را بخوانید، اینها مرثیه‌هایی هستند که پس از ویرانی اورشلیم به درگاه خدا تقدیم می‌شوند. نویسنده، شاید ارمیا، در مراثی باب ۳:۲۲ در احاطه‌ی مناظر و صداهای داوری و مرگ، که او با جزئیات تصویری توصیف می‌کند، می‌تواند بگوید که به خاطر عشق عظیم خداوند، ما از شفقت‌های او که هرگز از بین نمی‌آوند، خسته نمی‌شویم.

و سپس می‌گوید، اگرچه او غم و اندوه به همراه می‌آورد، اما شفقت نشان خواهد داد، عشق بی‌پایان او بسیار عظیم است. بنابراین حتی وقتی خدا مجبور است داوری خود را نازل کند، ما اغلب شفقت او را می‌بینیم. و البته هوشع باب ۱۱ را هم داریم، جایی که خدا به نوعی حجاب را کنار می‌زند و به ما اجازه می‌دهد تا به قلب او نگاه کنیم.

و در هوشع ۱۱، به یاد می‌آورد که چگونه پسرش اسرائیل را از مصر بیرون آورد و از او مراقبت کرد. هر کسی که فرزندان را بزرگ کرده باشد، می‌تواند آنچه خداوند می‌گوید را درک کند. خداوند به روزهای اولیه فکر می‌کند.

اما پس اسرائیل چه کرد؟ آنها به دنبال بت‌های بعل رفتند و بت‌پرستی آنها با جزئیات کامل در کتاب هوشع شرح داده شده است. آنها از خداوند روی گرداندند و خداوند چاره‌ای جز داوری بر آنها نداشت. اگر می‌خواهید بعل را پرستش کنید و فکر کنید که او منبع نعمت‌های شماست، خب، من نمی‌توانم اجازه دهم این اتفاق بیفتد.

من باید از طریق داوری توجه شما را جلب کنم. و او خشمگین است و دارد اسرائیل را داوری می‌کند و این داوری را در هوشع باب ۱۱ توصیف می‌کند. اما ناگهان، لحنش تغییر می‌کند.

همچنان که خداوند داوری خود را بر قوم سرکش خود نازل می‌کند، دلش دگرگون می‌شود. دلش به حال او می‌سوزد. و تمام شفقتش برانگیخته می‌شود.

و این او را وادار می‌کند که از فرستادن داوری خود منصرف شود. او این سؤال را می‌پرسد، چگونه می‌توانم شما را مانند سدوم و عموره کنم؟ من نمی‌توانم این کار را انجام دهم. من نمی‌توانم تا این حد پیش بروم.

و بنابراین، او دلسوز است. و سپس می‌گوید چون من خدا هستم، نه انسان. انسان‌ها گاهی اوقات از خشم کور می‌شوند.

آنها نمی‌توانند احساسات خود را کنترل کنند و فقط خشم خود را بر سر دیگران خالی می‌کنند. اما خدا اینطور نیست. او به قوم خود متعهد است.

و او دلسوز است. و بنابراین، در بحبوحه قضاوت کردن انسان‌ها، او قادر است خشم خود را متوقف کرده و با دلسوزی تعدیل کند. او برخلاف انسان‌ها، احساسات خود را در تعادل کامل نگه می‌دارد.

بنابراین، ما این مضمون را در جای دیگری از عهد عتیق می‌بینیم. یک متن ترسناک، دوم سموئیل فصل ۱۴، اما همچنین، متنی که در آن می‌بینیم خدا از داوری که قصد داشت نازل کند، خودداری می‌کند و شفقت خود را نشان می‌دهد.

و ما همچنین آن شفقت را در پی ویرانی اورشلیم در مراثی باب ۳ می‌بینیم. و آن را در هوشع باب ۱۱ می‌بینیم، جایی که خداوند آنچه را که احساس می‌کند و تضاد احساساتی را که تجربه می‌کند با ما در میان می‌گذارد. و من فکر می‌کنم هر کسی که فرزند گمشده‌ای داشته باشد، مطمئناً می‌تواند با آنچه خداوند در آنجا می‌گوید، ارتباط برقرار کند. خشم، ناامیدی که خداوند نسبت به اسرائیل احساس می‌کند، اما در عین حال شفقت نیز هست.

بنابراین، با این مقدمه، مطالعات خود را در اینجا با کتاب‌های سموئیل به پایان می‌رسانیم. امیدوارم که آن را مفید یافته باشید. من شما را تشویق می‌کنم که در مطالعه کتاب مقدس آینده خود، این متن را بارها و بارها بخوانید، زیرا هر بار که این متون کتاب مقدس را می‌خوانیم، قرار است بیش از یک بار خوانده شوند.

هر بار که آنها را می‌خوانم، چیز جدیدی پیدا می‌کنم، بینشی بیشتر در مورد شخصیت خدا، بینشی بیشتر در مورد چگونگی ارتباط ما با او. بنابراین امیدوارم از مطالعات لذت برده باشید، و برایتان بهترین‌ها را آرزو می‌کنم، و بیاید با دعا به پایان برسانیم.

پدر، ما از تو به خاطر شفقت سپاسگزاریم. ما تو را به عنوان خدای بزرگ و حاکم می‌پرستیم. ما می‌دانیم که تو خدای مقدسی هستی که باید گناه را داوری کند، اما همچنین درک می‌کنیم که تو خدایی دلسوز هستی که بخشش را فراهم می‌کند و از فرستادن داوری خود با تمام قدرت صرف نظر می‌کند. ما تو را به خاطر خداوند عیسی مسیح شکر می‌کنیم.

که از طریق او ما رستگاری داریم، و از طریق او می‌توانیم با شما رابطه داشته باشیم.

ما درباره داوود زیاد خوانده‌ایم و می‌دانیم که این خداوند عیسی مسیح است که پادشاه ایده‌آل آینده است. او کسی است که از طریق او وعده‌های خود را به داوود، به اسرائیل و در نهایت به نسل بشر محقق خواهید کرد. از شما سپاسگزاریم که قومی را برای خود نجات می‌دهید و ما می‌توانیم از طریق خداوندمان عیسی مسیح، که به نام او دعا می‌کنیم، بخشی از این [فرصت] باشیم. آمین.

این دکتر باب پیشولم در حال تدریس در مورد اول و دوم سموئیل است. این جلسه آخر، جلسه ۲۸ داوود بلا را بر اسرائیل می‌آورد، دوم سموئیل فصل ۲۴ است.